

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه تکاثر

استاد ضرابی - ۱۳۹۹

جلسه هفتم ۹۹/۹/۲۳

آیه شریفه: «ثُمَّ لِنُسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸) - و سپس در آن روز از نعیم خدا

باز خواست خواهید شد (۸)»

عنوان: محتوای آخرین آیه

محتوای آخرین آیه، همانند آیه اول، همه آن چیزی است که در این سوره شرح گردیده و بار دیگر با بیانی دیگر بطور موجز و خلاصه آمده است و نتیجه آن تطبیق محتوای معرفتی «الهکم التکاثر» با «لنستلن یومئذ عن النعیم می باشد؛ زیرا «لهو» به معنی «سرگرم شدن به کارهای کوچک و غافل ماندن از اهداف و کارهای مهم»، همان چیزی است که انسان را از مقصد اصلی باز می‌دارد. مقصدی که انسان از آن باز می‌ماند نیز همان نعمتی است که خداوند از آن سؤال می‌کند و آن نعمت ولایت است.

تعبیر «ثم» نشان می‌دهد پس از عین الیقینی که برای ستمگران در برزخ و قیامت اتفاق می‌افتد نوبت به حق الیقینی می‌رسد که همانا اتحاد و یکی شدن با آتش جهنم است. زیرا سؤالی که از مجرمین درباره نعمت‌ها می‌شود تنها سؤال شفاهی نیست.

بلکه این سؤال یک صورت تکوینی دارد که ماهیتش در دنیا یک نیاز فطری عمیق و اساسی و اصلی برای انسان است و وقتی پاسخ داده نشده، زیر پا گذاشته می‌شود در آخرت نیز به صورت تشنگی و گرسنگی حقیقی که ماهیت و باطن عذاب است ظاهر می‌شود .

شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت
حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر کنایتی است که از روزگار هجران گفت

عنوان: رابطه جوهر وجود انسان با اسماء و صفات الهی

خداوند حقیقت انسان را از اسماء و صفات خود آفرید و آن هم اسماء جامع خود، به این معنا که اگر برای حق تعالی نود و نه اسم شمرده می‌شود: مانند: حی و قادر علیم و غیر آن ، انسان به عدد این اسماء در درونش استعداد، نیاز ، عطش و تشنگی رسیدن به این هستی حقیقی نهفته است، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شده است: «إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تِسْعَةَ وَ تِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ - خدای تعالی ۹۹ نام دارد که از صد، یکی کم است و هر کسی آنها را احصاء کند داخل بهشت شود.» (شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۹۴)
آنان که با الطاف الهی و مجاهدت برای تحصیل صفات الهی تلاش می‌کنند، در جایگاه و مقام همنشینی با انسان کامل قرار می‌گیرند. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ الرَّضْوَانَ (الرَّضْوَانَ) فِي دَارِ السَّلَامِ وَ جَوَارَ (جَوَارِ) نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ - ای خدا از تو درخواست می‌کنم آنچه را که موجب حتمی رحمت و مغفرت توست و نجات از آتش دوزخ و هر بلیه و عذاب را و وصول به بهشت را و رضا و خوشنودی تو را در منزلگاه سلامت در جوار پیغمبر تو حضرت محمد که سلام بر او و آل او

باد ای خدا هر نعمت به ما بندگان رسد همه از جانب توست. خدایی جز تو نیست
از تو آمرزش می طلبم و بسوی تو از گناه خود باز می گردم.» (مفاتیح الجنان)

قیمت خود به مناهی و ملاحی مفروش گرت ایمان درست است بروز موعود
دست حاجت چو بری پیش خداوندی بر که کریم است رحیم است و غفور است و ودود
از ثری تا بشریا بعبودیت او همه در ذکر و مناجات و قیامت و قعود
کرمش نامتناهی، نعمش بی پایان هیچ خواهنده از این در نرود بی مقصود

عنوان : تشنگی و گرسنگی روز قیامت

اما آنها که در تأمین این نیازهای واقعی (تحصیل صفات الهی) مجاهدتی نکرده‌اند
و اصلاً به دنبال چیزی جز حیات دنیا و لذات زودگذر آن نبوده‌اند.

این نیازمندیهای حقیقی بجای آنکه با نور هدایت به بهره‌مندی و رسیدن به آرامش
و لذات ابدی در جوار قرب الهی برسند، به نیازهای سرکوب شده‌ای تبدیل
می‌شوند که همان تشنگی و گرسنگی و تاریکی و عذاب روز حساب است.

از این نظر در تفسیر آیه شریفه « ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ » امام صادق (ع)
فرمود: « قَالَ يَا سَدِيرُ لَا تُسْأَلُ عَنْ طَعَامٍ طَيِّبٍ وَ لَا ثَوْبٍ لَيِّنٍ وَ لَا رَائِحَةٍ طَيِّبَةٍ بَلْ
لَنَا خُلُقٌ وَ لَهُ خُلُقُنَا وَ لِنَعْمَلُ فِيهِ بِالطَّاعَةِ قُلْتُ لَهُ يَا أَبَى أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
فَمَا النَّعِيمُ قَالَ حُبُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ عِزَّتِهِ (عليهم
السلام) يَسْأَلُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَيْفَ كَانَ شُكْرُكُمْ لِي حِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحُبِّ
عَلِيٍّ وَ عِزَّتِهِ - حنان بن سدیر از پدرش نقل کرده است: نزد امام صادق (عليه
السلام) بودم... فرمود: «ای سدیر! هرگز از غذای خوب و لباس نرم و بوی
خوش از شما بازخواست نخواهند کرد. این‌ها برای ما خلق شده است و ما برای
استفاده از آن‌ها مأموریم که با استفاده از این نعمت‌ها فرمان‌بردار خدا باشیم.»

عرض کردم: «پدر و مادرم فدایت! پس نعیم چیست؟» فرمود: «حُبُّ
امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (عليه السلام) و خاندانش (عليهم السلام). خداوند

روز قیامت بازخواست خواهد کرد چگونه سپاس نعمتی که بر شما ارزانی داشتم
از حبّ علی (علیه السلام) و عترتش (علیهم السلام) بهجا آوردید. « (بحار الأنوار،
ج ۲۴، ص ۵۸)

همه عمر در فراق بگذشت و سهل باشد

اگر احتمال دارد به قیامت اتصالی

چه خوش است در فراقی همه عمر صبر کردن

به امید آن که روزی به کف او فتد و صالی

عنوان : آیا ما در صراط اولیای الهی هستیم؟

نعمت‌های معمولی دنیا نعمت واقعی نیستند؛ خداوند نعمت امامت و ولایت را به
عنوان نعمت حقیقی به انسان‌ها عنایت فرمود و همه را به پذیرش آن مکلف کرد
و در روز قیامت هم از آن بازخواست می‌کند؛ همان نعمت مظهریت اسماء و
صفات الهی که همه نعمت‌های دنیا و آخرت از آنها به ظهور رسیده‌اند. پس
مقصود از نعیم در آیه شریفه « تُمْ لُنْسَأَلَنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ »، ولایت محمد و آل
محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

در زیارت شریفه امین الله، امام سید الساجدین (علیه السلام) صفات برجسته
اولیای الهی و انسانهای کامل را از خداوند می‌طلبد. خواستن این کمالات هنگام
زیارت اولیای دین، برای فهماندن این مطلب است که هدف ما از زندگی در این
دنیا باید تحصیل صفات اولیاء خدا باشد و توجه به نعمت‌های زودگذر دنیا ما را
از اتصاف به اوصاف کمالیه و در خط و صراط اولیای الهی قرار گرفتن دور
نکند. حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) خود متصف به این صفات هستند
ولیکن در پیشگاه خدا و در مقام اقتدا به امیر مؤمنان خود را اصلاً نمی‌بیند.

ما نیز باید بفهمیم که بنده حقیقی هیچ گاه از مقام ربوبی بی نیاز نیست و احتیاج
مستمر به افاضه حق تعالی دارد، «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً

بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ
 وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آيَاتِكَ ،
 مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً
 لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ - خدایا قرار ده نفسم را آرام در
 برابر تقدیرت، خشنود به قضاوتت، حریص به ذکر و دعایت، عاشق به برگزیده
 دوستانت، محبوب در زمین و آسمانت، شکیبیا بر نزول بلایت، سپاسگزار بر
 فزونی نعمت‌هایت، یادکننده کامل عطا‌هایت، مشتاق به شادی دیدارت، توشه
 برگیرنده تقوا برای روز پاداشت، پیرو روش‌های اولیایت، جداکننده از اخلاق
 دشمنانت، غافل از دنیا به سپاس و ثنایت.

در دلم بود که آدم شوم؛ اَمَّا نَشْدُم	بی‌خبر از همه عالم شوم؛ اَمَّا نَشْدُم
بر درِ پیرِ خرابات نهم روی نیاز	تا به این طایفه محرم شوم؛ اَمَّا نَشْدُم
هجرت از خویش کنم، خانه به محبوب دهم	تا به اسماء معلّم شوم؛ اَمَّا نَشْدُم
از کف دوست بنوشم همه شب باده عشق	رسته از کوثر و زمزم شوم؛ اَمَّا نَشْدُم
فارغ از خویشتن و واله رخسار حبیب	همچنان روح مجسم شوم؛ اَمَّا نَشْدُم
سر و پا گوش شوم، پای به سر هوش شوم	کز دم گرم تو مُلْهَم شوم؛ اَمَّا نَشْدُم
از صفا راه بیابم به سوی دار فنا	در وفا یار مسلّم شوم؛ اَمَّا نَشْدُم
خواستم بر کنم از کعبه دل، هر چه بت است	تا بر دوست مکرّم شوم؛ اَمَّا نَشْدُم
آرزوها همه در گور شد ای نفس خبیث	در دلم بود که آدم شوم؛ اَمَّا نَشْدُم (دیوان

اشعار، امام خمینی (ره))